



عنوان یک واحد اقتصادی و در عین حال دارو درمانی، نیز خود مسایل و پیچیدگی‌های خاصی خودش را دارد. در این رابطه همکار جوانمان آقای دکتر لقمان سراجی فکری از مهاباد مطلبی برایمان ارسال داشته‌اند که با هم مرور می‌کنیم:

○ حضور محترم شما دست اندرکاران این نشریه سلام عرض می‌کنم در این مقاله سعی دارم تا ساده و صمیمی مروری داشته باشم بر داروخانه و مشکلات موجود در آن که بر سر داروسازان جوان این زمان آوار می‌شوند.

● مشکلاتی که داروسازان جهت تاسیس داروخانه با آن مواجه هستند. حدیث مفصلی دارد که مثنوی هفتاد من کاغذ خواهد شد. در این رابطه داروسازان جوان طبعاً مشکلاتشان مضاعف خواهد بود، چرا که از یک سو ابتدای بازار کار هستند و تورم جامعه بر آنها بیشتر تاثیر خواهد گذاشت و از سوی دیگر تعداد زیاد فارغ التحصیلان این رشته، آنها را با بازار کاری آشفته روبرو ساخته و فرصتهای کاری را برایشان محدود کرده است. مشکلات بعد از تاسیس و چگونگی اداره داروخانه به

بنده نیز به عنوان یکی از داروسازانی که در داروخانه به کار اشتغال دارند با امید به آینده پای در این راه گذاشتم و گفتم: تو پای در راه نه و هیچ مپرس خود راه، بگویدت که چون باید رفت ولی دیری است که پای از رفتن بازمانده و جان از بودن درمانده است.

داروسازان جوانی که بی‌توشه در راه مانده‌اند معنای این مطلب را خوب می‌دانند برای شروع کار لازم است تا سرمایه‌گذاری هنگفتی توسط موسس جوان ما به عمل آید آن هم از طریق مضاربه، زمانی که به بانک مراجعه می‌کنیم دم از ۲۵٪ سود بانکی برای مضاربه می‌زنند. تنها راه همین است، علیرغم این که برای تاسیس داروخانه، پروانه مطب و پروانه کار لازم است با این وجود در بانک می‌گویند که داروخانه یعنی مغازه و نمی‌توان از طریق وامهای فروش اقساطی درازمدت که به مطب پزشکان تعلق می‌گیرد برای داروخانه استفاده کرد و این یعنی اولین و بزرگترین مشکل. حال این داروساز جوان داروخانه‌ای بزرگ نموده برپا کرد و منتظر شرکت‌های دارویی می‌ماند.

هر داروساز در هر فصلی که داروخانه‌ای تاسیس می‌کند حسب‌الاتفاق؟! داروهای همان فصل کمیابند و شرکت با جمله «در انبار موجودی نداریم» داروساز را وادار به قرض و امانت دارو از داروخانه‌های پیش‌کسوت می‌کند. از آنجایی که در امر تولید دارو برنامه‌ریزی خاصی وجود دارد که داروسازان ما از آن بی‌اطلاع‌اند، ناگهان در وسط زمستان شربت اکسپکتورانت نایاب می‌شود و داروساز مجبور

است جهت جلوگیری از این امر در زمان خرید مازاد بر نیاز چندین ماه را پشت سر هم خریداری کند. هر داروخانه‌ای قدرت خرید بیشتری داشته باشد در فصول آینده سودآوری بیشتری دارد و اگر که این بین برنامه‌ریزی تولیدی شرکت تغییر کرد و دارو کمیاب نشد داروهای بادکرده، تاریخ منقضی خواهند شد و بازرسان زبده داروخانه پس از صورت جلسه ارقام چندین رقمی را به عنوان ضرر داروخانه به اطلاع رئیس شبکه شهرستان می‌رسانند. در این سیکل معیوب ضرر داروخانه را فقط داروساز جوان و بی‌توشه ما باید پرداخت کند.

محدودیت نسخه‌نویسی توسط پزشکان و افزایش مصرف سرسام‌آور بعضی داروها و سهمیه‌بندی آنها توسط شرکت‌های توزیعی، معضل دیگری می‌باشد که در نهایت صحبت‌های بی‌ثمر بین داروساز و بیمار را به دنبال دارد تا مریض معنای دقیق واژه «نداریم» را برای همیشه حفظ کند. بعضاً در داروخانه‌های پر از ازدحام حتی این کلمه نیز ادا نمی‌شود و فقط با حرکات چشم و ابرو و Face to Face Communication بیمار را متفکرانه راهی داروخانه دیگری می‌کند.

کاهش داروساز ما درسی از اصول حسابداری و حسابرسی را می‌خواند. گرچه در طی چند ماه به صورت اتوماتیک آنها را بهتر از هر حسابدار دیگری یاد می‌گیرد، پاس کردن چکها و معنای دیگر شعر استاد سعدی: «چو دخلت نیست خرج آهسته تر کن» تلفیقی از شعر و ادبیات و اقتصاد را برای شمیمیدان جوان ما به ارمغان می‌آورد. ماشین شرکت با تاز و کرشمه سر می‌رسد

دارو تحویل، چک نوشته و صمیمانه با هم وداع می‌گویند. شربت اکسپکتورانت شرکت ...، چرا برچسب‌هایشان کنده شده، کارتن شربت گریپ میکسچر، چرا شیرمالی شده‌اند؟ کارتن شامپوی ... ۲ تا شامپو سوراخ و خالی هستند، کارتن شربت ... آکبند ولی یک شربت کم است، قرص مسکن ... در استریپ ۱۰ عددی ۴ خانه خالی بدون قرص وجود دارند، ۴ قمر در میان ۶ سیاره دیگر می‌درخشند؟

از این دست بسیار است برای این موارد بایستی شرکتهای محترم دارویی اگر در نظر دارند به رقابت بپردازند رقابت فقط در بازارهای خارجی ملاک نیست. اگر بر حکم اجبار و به دلیل جو حاکم بر بازار آشفته دارو نباشد طبیعتاً هم شرکتهای پخش و هم داروخانه‌ها در انتخاب فرآورده با ظاهر معقول‌تر گوی سبقت را از هم خواهند ربود. کنترل کیفیت و رعایت اصول GMP از اصول تولید دارو در کارخانجات می‌باشد ولی متأسفانه در بعضی شرکتهای تولیدی به آن توجه کافی نشده و بخصوص در بسته‌بندی هیچ ابتکاری که ظاهر فرآورده را مطلوب‌تر نماید به چشم نمی‌خورد علیرغم اینکه در چندین دوره دارو افزایش قیمت پیدا کرد ولی این افزایش قیمت تاثیری بر افزایش کیفیت در ظاهر فرآورده برجا نگذاشت به عنوان مثال بسته‌بندی قرص مبندازول در بسته‌های ۱۰۰۰ عددی برای شرکت سودآور ولی برای داروخانه جز ایجاد مشکل در زمان تحویل به بیمار از قبیل اتلاف وقت برای شمارش قرص‌ها، افزایش پرت دارو و ریزش آن ندارد، بگذریم از اینکه ظروف حجیمی که حاوی دارو می‌باشند پس از اینکه درب ظرف باز شد حجم وسیعی از قرصها در

معرض رطوبت، حرارت و نور قرار می‌گیرند و این Shelf life دارو را کاهش می‌دهد از جانب دیگر برای بیمار تحویل قرص در پاکت یا پلاستیک چندان قابل قبول نیست و بارها بیماران در مورد نحوه نگهداری داروی تحویلی در پاکت یا پلاستیک سئوالاتی را مطرح می‌نمایند.

گذشته از این مشکلات، بارها طی نامه‌ای رسمی اشکال دارویی متعددی به علت آلودگی میکروبی بالا در زمان ساخت، رسوب، وجود ذرات معلق، کرمینگ، تغییر رنگ و ... توسط شرکت و یا مدیریت دارو جمع‌آوری می‌شوند و به نظر این‌جانب تجدید نظر در کنترل کیفیت در حین تولید بسیاری از این مشکلات را که دود آن مستقیماً به چشم مردم می‌رود برطرف می‌کند کنده شدن برچسب دارو که ناشی از استفاده از چسب نامرغوب در حین تولید می‌باشد دلهره تمامی داروخانه‌ها می‌باشد چرا که زمانی را باید صرف چسباندن مجدد برچسب نمود و برای بیمار ناظر این تعمیرات توجیه مسئله بسیار مشکل است.

داروساز جوان ما داروها را در قفسه می‌چیند بعضی داروها به علت شکل خاص بسته‌بندی مرتب ریزش می‌کنند به‌رحال اولین مریض وارد می‌شود نسخه‌ای در دست ندارد مقوایی آبی‌رنگ با نوشته‌های لاتین و خطاب به داروساز ما می‌گوید: دکتر جان این قرص را می‌خواهیم، داروساز جوان دقت می‌کند. قرص دیگوکسین است. پس از کمی تفکر جواب می‌دهد پدرجان نداریم، بیمار مصرانه: پس از کجا آن را تهیه کنم؟

طبیعتاً دارو را باید از داروخانه تهیه کرد ولی این مشکل در مورد داروهایی که از خارج

خریداری می‌شوند همچنان وجود دارد، دیگوکسین، کلوفیرات، نیفیدپین، وارفارین و ... به صورت دوره‌ای و نوبتی در بازار مدتی کمیاب می‌شوند و خلا ناشی از آنها برای داروخانه‌ها مشکلاتی را ایجاد می‌کند. خصوصاً در مورد داروهای قلب و عروق که با زندگی و حیات بیمار سر و کار دارد برنامه‌ریزی دقیقی جهت جلوگیری از این خللا لازم می‌باشد.

این رمز ایجاد و بازار سیاه یا بازارچه‌های منشعب از بازار ناصر خسرو می‌باشد افراد فرصت طلب از این جای‌های خالی نهایت سواستفاده را بعمل می‌آورند و طبیعتاً هیچگاه داروساز جوان ما به‌خود اجازه نمی‌دهد تا بیمار را برای دارویی با این شرایط به بازار آزاد راهنمایی کند.

سردبیر محترم این گوشه‌ای از درد دل یک داروساز بود چکار می‌توان کرد جز شما و سایر سوت‌دلان همدمی صمیمی‌تر نیافتیم.

ناله را هرچند می‌خواهم که پنهان برکشم سینه می‌گوید که من تنگ آمدم فریاد کن با این وجود بنده و سایر همقطاران و هم‌زمان در این سنگر سعی داریم تا امانتداری صدیق باشیم و دارو این امانت استراتژیک را به صاحبان اصلی آن با نیت شفای عاجل تقدیم کنیم هرچند که ناملایماتی از این دست گاه‌گاهی گلایه‌هایی را بر صفحه کاغذ می‌کشانند.

به‌هرحال انتظار داریم تا برای نونهالانی که قصد بالیدن و بارور شدن دارند در بهار عمرشان، پشتوانه‌ای چون باغبانی دلسوز باشیم تا این نوگلان پژمرده و آزرده سیاه بازار نشوند. تشکیل صندوق‌های قرض‌الحسنه، وام‌های کم بهره و سایر امتیازات خاص دیگر خواب طلایی اما دست یافتنی ماست. دوستان دیگر را به کتابت می‌خوانیم تا از تجربیات و راهنمایی‌هایشان ما را بی‌بهره نگذارند که چون کویر، تشنه دریاخیم و منتظر باران.

